

علوم و فنون ادبی

۱- کدام گزینه درباره قلمرو ادبی شعر دوره بیداری درست نیست؟

(۱) گرایش به قالب‌های کم‌کاربرد یا نوین و فراهم شدن زمینه برای ظهور شعر نو.

(۲) استفاده از زبان محاوره و متناسب با زبان و فهم مردم عادی.

(۳) پابند بودن نه چندان شاعران به آرایه‌های بیانی و بدیعی.

(۴) در نظر داشتن تخیلات شاعران پیشین و بوجود آوردن نوآوری‌هایی در عرصه تخیل.

۲- کدام گزینه از نظر تاریخ ادبیات نادرست است؟

(۱) یکی از شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری توجه به مردم است و شاخص‌ترین شاعر این حوزه ابوالقاسم لاهوتی است.

(۲) در دوره بیداری طنز سیاسی اجتماعی شاخه‌ای ارزشمند در نثر این دوره و دشمنی با استبداد و استعمار یکی از موضوعات نشر روزنامه‌ای است.

(۳) میرزاده عشقی با تأثیرپذیری از اوضاع اجتماعی نوآوری‌هایی در عرصه تخیل پدید آورد.

(۴) سید اشرف‌الدین گیلانی و ادیب‌الممالک فراهانی با آگاهی از سنت‌های ادبی به زبان پر صلاحت گذشته وفادار ماندند.

۳- کدام گزینه با وضعیت نثر در ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم مرتبط نیست؟

(۱) حقوق مدنی زنان از جمله موضوعاتی است که در کنار تعلیم و تربیت نوین مورد توجه نویسنده‌گان قرار گرفت.

(۲) ستایش خرافات موضوع بسیاری از نثرها به ویژه نثر داستانی بود.

(۳) از تعداد لغات ترکی کم و به لغات انگلیسی، عربی و فرانسه اضافه می‌شود.

(۴) درون‌مایه نثر که آزادی و آزادی خواهی و سنت‌شکنی و تجددخواهی بود، در این دوره با لحنی آرامتر ادامه یافت.

۴- سبک شعری ایيات کدام گزینه تماماً مربوط به سبک عراقی نیست؟

معشووق همین جاست بیایید کجایید

(۱) ای قوم به حج رفته کجایید کجایید

وصل جانان ورنه جنت بوسنانی بیش نیست

(۲) آن نعیم روشه رضوان غرض دانی که چیست؟

وز بهر طمع پر، به پرواز بیاراست

(۳) گویند عقابی به در شهربی برخاست

تا از درخت نکته توحید بشنوی

(۴) یعنی بیا که آتش موسی نمود گل

۵- در ایيات کدام گزینه به یکی از درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری اشاره شده است؟

ناخدای استبداد با خدای آزادی

(الف) در محیط طوفان زا ماهرانه در جنگ است

مذهب شاهنشه ایران ز مذهب‌ها جداست

(ب) با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست

یک دانه بدو دادی صد باغ مزید آمد

(پ) غم‌هاش همه شادی بندش همه آزادی

چشمم از آن دو چشم تو خسته شده است و ناتوان

(ت) حال دلم ز خال تو هست در آتشش وطن

(۴) الف - ب

(۳) ب - پ

(۲) ت - پ

(۱) الف - ت

۶- در همه گزینه‌ها به جز گزینه نشانه‌هایی از ویژگی‌های سبک خراسانی یافته می‌شود.

چون پنجه عروس به حنا شده خضیب

(۱) لاله میان دشت در خشد همی ز دور

همی کاست زو فرگیتی فروز

(۲) به جمشید بر تیره گون گشت روز

فرارون بدو اندران دستان

(۳) یکی نامه بود از گه باستان

یک طایفه را هممه از بازار و حشو است

(۴) یک طایفه را زمزمه از بازار و حشو است

۷- تحلیل قلمرو فکری کدام بیت در برابر آن نادرست آمده است؟

همه دریاست ما را آشیانه (تأیید بر تکاپو و حرکت)

(۱) به موج آویز و از ساحل پرهیز

نبود دندان لا بل چراغ تابان بود (ظللم پذیری)

(۲) مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود

کاو چاشنی کام به کامت نرسانید (نارضایتی از سرنوشت)

(۳) خاقانی از این طالع خود کام چه جویی؟

خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس (لزوم خودشناسی و خداشناسی)

(۴) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس

- نام سراینده کدام پیت نادرست است؟

- ۱) تا مگر به دست آرم دامن وصالش را
 - ۲) آستین چ---و از چ---م برگ---رفتم
 - ۳) چ---ون نگ---ون ز درد و چ---ون ننالم
 - ۴) آن گرد ش---تابنده که در دامن صحراست

۹- کدام موارد سبک‌شناسی نادرست‌اند؟

- الف) معشوق عمدتاً زمینی است. (قلمرو فکری شعر سبک خراسانی)
ب) در توصیف پدیده‌ها بیش تراز تشبیه حسی بهره گرفته شده است
پ) بهره‌گیری کم تراز لغات عربی (نثر دوره غزنوی و سلحوی)
ت) تکرار فعل با اسم به حکم ضرورت معنی (نثر دوره سامانی)

٤) الف - ت

۳ - ت پ

۲ - ب

١) الف - ب

۱۰- چند مورد از موارد زیر به ویژگی های ادبی تشریف داری اشاره می کند؟
 «کنار گذاشتن قید و بندهای نثر فنی و مصنوع - گزارشی و ساده شدن نثر - جدا شدن صنایع ادبی از نثر - حضور راوی سوم شخص - کم تر شدن واژه ها و ترکیب های عربی - کاهش آشکار عبارت های وصفی دور و دراز - نزدیک بودن جمله ها به طبیعت زبان»

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

.....بنیادی ترین تفکر و خواست مشروطه خواهان بود و شاعرانی همچون ملکالشعرای بهار، ادیبالممالک فراهانی و دهخدا مفهوم را در شعر خویش مورد توجه قرار می‌دهند.«

- ## ۳) آزادی - وطن ۴) تعلیم و تربیت - توجه به مردم

- ۱) قانون - وطن ۲) توجه به مردم - آزادی

۱۲- کدام بیت مردّف نیست؟

- ۱) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟
 - ۲) گلاب است گویی به جویش روان
 - ۳) نشود فاش کسی آن چه میان من و توست
 - ۴) کاش کی جز تو کسی داشتمی

۱۳- در کدام سمت قافیه نادرست است؟

- (۱) مَا صِيدْ جَوْيِ حَرْمَ كَعْبَةِ قدسِيَّهِ

(۲) اَگْرَ تُو فَارَاغَی اَزْ حَالِ دُوْسْتَانِ، يَارَا

(۳) گَشَادِ کَارَ آن دَلْبَندِ اَگْرَ بَا جَانَ مَنْ بُودَی

(۴) غَمْ زَمَانَهِ کَه هَبِيجَشِ کَرَانِ نَمَے يَسِنَهِ

۱۴- کتابه بست «ذوق افتش» است

- ۱) و اصل انسان همه هیچ است هیچ

۲) گرسیر نشد ترو دل ما

۳) گریمه را به مسنتی بهانمه کردم

۴) ته و کج ارتاش نهادم

١٨- إن إثبات تنازع الملكية بين ملوك وكونيلات فلاند في الحلة، في

- الف) باز آی که چون برگ خزانم رخ زردی است

ب) خرد رهنمای و خرد دلگشای

پ) ای عجب دردی است دل را بس عجب

ت) به سر تاج شاهی نه هم نامه را

ث) اگر در عشق می باید کمالت

- | | |
|--|--|
| <p>شاهد دل را بکشم سوی خریدار روم
تابه هر نوعی که باشد بگذرانم روز را
زانکه زبانه می‌زند شمع زمردین لگن
با کمانخانه ابروی بتان ساخته‌اند</p> <p>چند نشینی که خواجه کی به در آید
که نبود وصل شیرین بی‌مرارت
مزده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
چه حکمت است در این بوی پیرهن که تو داری</p> <p>شراب لعل نوشیدن چه کار است
دورم ز خویشتن کرد با صد هزار خواری
هنوز می‌پرد از شوق چشم کوکبها
تیغه‌ای تیز مژگان را به هم بر می‌زند</p> <p>کم پایی برنه خبر از خار نباشد
که گوبی آهی سر در کمندم
هم ز چین زلف عنبرسای توست
که جانم در جوانی سوختی جانم به قربانت</p> <p>باشد روان به پای وی اکنون روان ما
هر دم افزون گشت و من چون شمع می‌کاهم دگر
ای سرو سایه ور ز سرم بر مدار دست</p> <p>دو (۳) پنج (۴)</p> | <p>در همه ابیات آرایه «مراعات نظیر» وجود دارد؛ به جز:</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) خسته دام است دلم، بر در و بام است دلم (۲) دوست می‌دارم من این نالیدن دلسوز را (۳) خادم عیش خانه کو تا بکشد چراغ را (۴) راست کیشان که طلبکار نشاند چو تیر <p>کدام گزینه فاقد آرایه «تلمیح» و دارای آرایه «مراعات نظیر و تضمین» است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) نغمه حافظ شنونز خامه صائب (۲) چه شیرین گفت خسرو این عبارت (۳) صائب این آن غزل حافظ شیاز که گفت (۴) ز بوی پیرهنست زنده می‌شود دل مرده <p>کدام بیت به ماجراهی متفاوتی از زندگی حضرت موسی (ع) تلمیح دارد؟</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) نوح و موسی رانه دریا یار شد (۲) ای شیخ ما را فوطه ده وی آب مارا غوطه ده (۳) ازدها بود و عصاشد ازدها (۴) که دریا و اشکافیدن بود چالاکی موسی <p>در کدام گزینه، آرایه «مراعات نظیر» کمتر است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) به یاد لعل دلبر خون دل نوش (۲) شاخ گلی که آ بش از جوی دیده دارم (۳) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی (۴) چشم عیارت به قصد خون خلقی دم به دم <p>در کدام بیت اختیارات شاعری دیده <u>نمی‌شود</u>؟</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) از من مشنو دوستی گل مگر آن گاه (۲) چنان در قید مهرت پای بندم (۳) خون اگر در آهی چین مشک شد (۴) نه وصلت دیده بودم کاشکی ای گل نه هجرات <p>در ابیات زیر، چند مورد اختیار شاعری حذف همزه صورت گرفته است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> (الف) اشک روان اگر چه به پایش فشانده‌ایم (ب) مهر آن خورشید تابان بر دلم چون زخم تیغ (پ) در تاب آفتاب غم از پا در آمدم <p>در کدام بیت، اختیار زبانی «تغییر کمیت مصوّت بلند به کوتاه» هر دو صورت گرفته است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) سه (۲) چهار (۲) دست در دامن خورشید نمی‌زد شبین (۳) آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت (۴) داغ محبت است و بس خانه فروز جان و دل |
|--|--|

-۲۳- مصراع دوم کدام گزینه دارای اختیار شاعری «تغییر کمیت مصوت» از هر دو نوع است؟

وز ما همه بیچارگی و عجز و نیاز است
ز بیچارگی بنده افسون گرفت
درماندگی ام به هیچ نشمردی
به هامون برافگنده بگذاشتند

- (۱) از وی همه مستی و غرور است و تکبر
- (۲) شنیدم که ساز شبیخون گرفت
- (۳) بیچارگی ام به چیز نگرفته‌ی
- (۴) به بیچارگی روی برگاشتند

-۲۴- واژه «ساقی» در کدام گزینه مشمول اختیار زبانی «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» است؟

اروح را فرهاد کن در عشق آن شیرین لقا
کنار آب رکن آباد و گلگشت مصالا را
ساقی بده بشارت رندان پارسا را
قابل تغییر نبود آن چه تعیین کردہ‌اند

- (۱) ساقی تو ما را یاد کن صد خیک را پر باد کن
- (۲) بدہ ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت
- (۳) خوبان پارسی گو بخشنده‌گان عمراند
- (۴) ساقیا می ده که با حکم ازل تدبیر نیست

-۲۵- اختیار شاعری مربوط به کدام بیت نادرست است؟

بشتاب که جای چاره‌سازی است (حذف همزة / زبانی)
چه سازم به خاری که در دل نشیند (تغییر کمیت مصوت / زبانی)
چون کعبه نهاد حلقه در گوش (تغییر کمیت مصوت / زبانی)
به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم (حذف همزة / زبانی)

- (۱) گفت ای پسر این نه جای بازی است
- (۲) خَلَدْ گر به پا خاری آسان برآید
- (۳) آمد سوی کعبه سینه پر جوش
- (۴) به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسم